



سواد رسانه‌ای

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۰ ■ ۲۷ آذر ۱۳۹۹

نوجوان  
جامع

## کشورگشایی از پشت میز



کیمیا صادقی  
مدال آور المپیاد  
سواد رسانه‌ای



از هیتلر فلان فلان  
شده گرفته تا  
اسکندر و نادرشاه  
و چنگیزخان  
مغول، همگی

برای کشورگشایی‌هاشون روزها، ماه‌ها و حتی سال‌ها جنگیدن. کلی خون و خون‌ریزی کردند و کلی آه و ناله و نفرین پشت سرشونه و در آخر هم وقتی اسم دیکتاتوری به نام هیتلر میاد طبع شیرین لطیف شعرا به نقد تلخ تند آقایان تبدیل میشه و در وصفش میگن: عامل دو فاجعه جهانی! اما الان وضعیت حاکمان بزرگ‌ترین کشورها به مراتب خیلی بهتر از فاتحان قبیله؟! حاکمانی که بدون خون و خونریزی بیشترین پیروان را دارند و از شدت محبوبیت مردمان کشورهاشون به جای فاتحانی بی‌رحم و خشن از اونها به عنوان رهبرانی مدبر، خلاق و نوآور یاد می‌کنند. رهبرانی که نه حاکم چین هستند و نه فاتح هند اما با این حال تعداد پیروانشون از جمعیت چین و هندوستان هم بیشتره! سرزمین‌هاشون رو فتح نکردند بلکه خلق کردند! برای کشورگشایی با پوتین‌هاشون مسافت‌های چندصد فرسخی رو طی نکردند، بلکه با اذعان‌شون این مسافت رو پیمودند. رهبرانی مثل مارک زاکربگ، امپراتور سرزمین دو میلیارد نفری فیسبوک و مالک سرزمین اینستاگرام با یک میلیارد جمعیت. امپراتوری که در ابتدای خلق سرزمین انحصاری خودش یعنی فیسبوک، سربازی ۱۹ ساله و تنها بود و همراه عده‌ای از هم دانشگاهی‌هاش در قلعه خودشون یعنی دانشگاه هاروارد، پایه و اساس قلمرو امپراتوری خودش رو بنیانگذاری کرد. فیس‌بوک راه‌اندازی شد و به موفقیت رسید. این وب‌سایت با جملاتی مانند «دوستان مدرسه‌ای خود را پیدا کنید» و «عکس‌های خود را به اشتراک

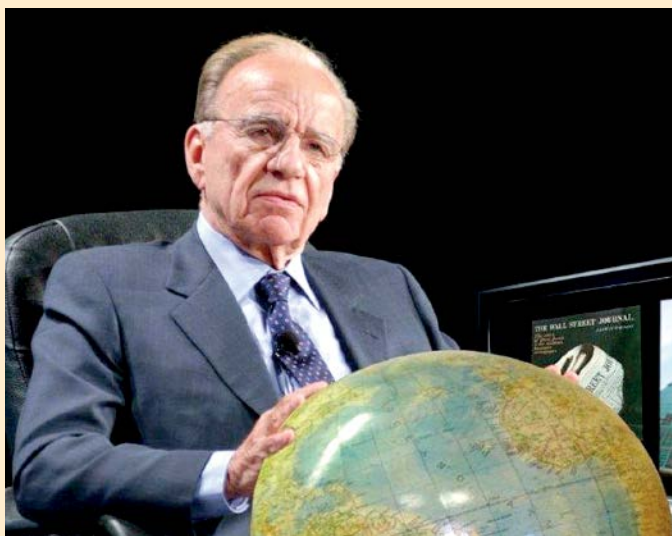
و کللا و مشاوران دربار زاکربگ ثابت شود این کار از جمله هوشمندانه‌ترین اقدامات حاکم جوان بوده و حالا زاکربگ علاوه بر فیس‌بوک، بر سرزمین یک میلیارد نفری اینستاگرام نیز حکمرانی می‌کند. سرزمین‌های فیس‌بوک و اینستاگرام با مرزهایی مشخص و استوار و قوانینی خاص و منحصر به فرد، حاکمانی ثابت و همیشگی و مردمانی اغلب مصرف‌گرا، با گویش‌هایی متفاوت اما دارای زبان، زمان، دغدغه، ذائقه و فرهنگ مشترک اینستاگرامی و فیس‌بوکی، پرجمعیت‌ترین سرزمین‌های این کره خاکی هستند. سرزمین‌هایی که مردمانش در انتخاب حاکمان و رهبرانشان نقشی ندارند و در تعیین وضع قوانین کشورهاشون نقشی ندارند. با تمام این اوصاف، این سوال ذهن یک شهروند ساده مجازی رو مشغول کرده که آیا امپراتور جوان خوشنام خوش فکر نایبه ماء، واقعا هیچ خویی از مدیریت دیکتاتور وار هیتلری نبرده؟! و

بگذارید» ابتدا بین هم دانشگاهی‌هایش گسترش یافت و از خوب روزگار با استقبال چشمگیری هم روبه‌رو شد. طوری که خیلی طول نکشید تا افراد و دانشگاه‌های دیگه هم به این امپراتوری پیوستند و سال ۲۰۱۲ وقتی که تعداد کاربران فیس‌بوک از مرز یک میلیارد نفر گذشت، زاکربگ اذعان کرد با این تعداد کاربر رهبر دومین کشور پرجمعیت دنیاست و وقتی که در سال ۲۰۱۷ تعداد پیروانش از مرز دو میلیارد نفر گذشت، زاکربگ رسماً رهبر پرجمعیت‌ترین کشور دنیا شد. اما سال ۲۰۱۲ رفتار عجیبی از حاکم ۲۷ ساله ما سر زد که خیلی‌ها این رو به پای جوانی و جهالت او گذاشتند. آن اتفاق چیزی نبود جز پرداخت یک میلیارد دلار برای اضافه کردن استارت‌آپ بسیار کوچکی که فقط و فقط از ۱۳ کارمند تشکیل شده بود و درآمدش با صفر برابری می‌کرد: دهکده اینستاگرام. این بار هم خیلی طول نکشید تا به وزرا

## امپراتوری تاج و تخت

مرداک هیچ وقت به طور علنی یهودی بودن خود را اعلام نکرد اما به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان صهیونیسم و اسرائیل دین خود را به اجدادش ادا و لقب امپراتوری رسانه‌ای یهود را از آن خود کرد. این پادشاه بی‌تاج و تخت با قدرت رسانه‌ای خود می‌توانست سرنوشت کشوری را به آسانی تغییر دهد. از نمونه‌های تسلط او می‌توان به قدرت رسیدن «ویتلم» رهبر حزب کارگر در استرالیا را مثال زد. در سال ۱۹۷۲ ویتلم قول داده بود سیاستی حامی اسرائیل را در پی بگیرد. مرداک با نفوذ رسانه‌ای خود و طی تبلیغات گسترده‌ای او را به قدرت رساند و مدت کوتاهی بعد که وی به وعده‌اش عمل نکرد با همان تبلیغات ویتلم را از کار برکنار و باب هاوک را که از طرفداران سرسخت صهیونیسم بود، بر مسند قدرت نشانید.

شاهکار دیگر مرداک نقش آفرینی در پیروزی تعجب‌برانگیز دونالد ترامپ در انتخابات دوره گذشته آمریکا برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها بود. رابرت مرداک در طول زندگی پر فعالیت خود یک اصل مهم را خوب می‌دانست و از آن بهره می‌برد: برای اداره جهان کافی است بر ذهن‌های مردم تسلط داشته باشی و برای این کار باید رسانه در اختیار باشد؛ زیرا در جهانی زندگی می‌کنیم که رسانه یعنی همه چیز.



فاطمه رضوانی فر  
مدال آور المپیاد  
سواد رسانه‌ای



حدود ۹۰ سال پیش در یکی از روزهای ماه مارس در، ملبورن استرالیا یکی از شهرهای جنوبی کره زمین متولد و به سلیقه مادرش همانم پدر بزرگ خود شد:

کیث رابرت مرداک.

در دوره نوجوانی با دنباله‌روی از پدرش وارد حرفه روزنامه‌نگاری شد و از مدرسه‌ای کوچک شروع کرد. هرچند در کودکی از درس و مدرسه لذت چندانی نمی‌برد؛ ولی بعدها برای ادامه تحصیل به انگلستان مهاجرت کرد و در ادامه حرفه روزنامه‌نگاری با دلی اکسپرس همکاری کرد. رابرت جوان که سنی نداشت با شنیدن خبر فوت پدر به طمع بهره‌مندی از ارثیه سریعاً به وطن بازگشت که برخلاف توقعش چیز زیادی دستش را نگرفت.

وی با همان اندک ارثیه‌ای که به دست آورده بود امتیاز چند روزنامه در حال ورشکستگی را خرید و با وسیع‌تر کردن کسب‌وکارش، کم‌کم همه روزنامه‌های استرالیا را تحت نفوذ گرفت. در ۳۴ سالگی و با تأسیس اولین روزنامه ملی استرالیا توجه رابرت به جوامع بین‌المللی هم

جلب شد و او تصمیم گرفت به برترین قدرت انتشاراتی انگلستان تبدیل شود و با ولعی تمام نشدنی امتیاز روزنامه‌های فراوانی از جمله تایمز و News of the World و همین زمینه‌ساز تأسیس اولین روزنامه تمام رایانه‌ای دنیا در لندن شد. مرداک بعد از فتح تمامی قله‌های موفقیت حرفه خود در لندن، توجه خود را به آمریکا معطوف کرد و به این نتیجه رسید که این کشور مستعد و امکاناتش می‌تواند او را به اهدافش برساند و با وقوع تمامی این اتفاقات در اوایل دهه

۷۰ تابعیت خود را به آمریکایی تغییر داد. روند کار او در آمریکا هم مثل انگلستان با خرید امتیاز روزنامه‌های مطرح مثل نیویورک پست و نشنال استار آغاز شد. در دهه ۸۰ و با به قدرت رسیدن رسانه‌های صوتی تصویری مسیر رسیدن مرداک به آرزوی دیرینه‌اش هموارتر شد. او که همیشه در خرید مطبوعات عطش عجیبی داشت، برای تشکیل امپراتوری رسانه‌ای خود شروع به خرید شبکه‌های تلویزیونی متعدد کرد و در مهم‌ترین اقدام خود شبکه فاکس را در آمریکا تأسیس کرد.